

نویسنده: لوکاس لیزوز دی المیدا (Lucas Leiroz de Almedia)

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2020-12-30».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

سال دوهزار و بیست در تاریخ مانند سالهای

کمی بود؛ انزوای اجتماعی؛ بیکاری و فقر

2020 was year like few in History ,social isolation ,unemployment.and poverty



که اثرات آن چندین سال طول می کشد تا آنکه باز گردد

its effect will take decades to be reversed

سال «2020» در حال اتمام است؛ و بعنوان یکی از پردرد سرترین سالهای دههای اخیر به تاریخ وارد شده است یا که جا گرفته است؛ زیرا که باعث ایجاد تغییرات ساختاری در تعادل جیوپولیتیک جهانی شده است؛ «همه گیری» ویروس کرونای جدید یک سری یا تسلسل تغییراتی را در زندگی روزمره شهروندان؛ در شهرهای بزرگ جهان ایجاد کرد؛ البته در سراسر جهان یک «عادی جدید = New normal» تأسیس شد؛ یک کد (code) نا نوشته جدید برای همزیستی بین انسانها که می خواهد نیازهای دوران خطر و ترس جمعی را برآورده کند. مقررات جدید صحت؛ متمرکز بر ایجاد استاندارد؛ انزوا یا فاصله گیری اجتماعی و جلوگیری از عفونیت یا منتن شدن به «انتان» کل جمعیت یا نفوس را مجبور به تغییر شکل آداب و برخورد و رسوم خود کرد. بدیهی است که در صورت شیوع ویا تکثیر یا گسترش بیماری های میکروبی ویا انتانی وبخاطر جلوگیری از خطرات و مرگ میرناشی از آن باید نورم های ویاستانداردهای سختگیرانه صحت اتخاذ شود. اما پیا پیا مدهای انزوایی طولانی مدت اجتماعی آسیب جدی به ساختار اجتماعی

اکثر کشورها وارد کرده است. زنجیره تولید قطع شد؛ زیرا با تعداد کمتری از مردم در خیابان‌ها؛ میانگین مصرف کمتر بود و در نتیجه بسیاری از شرکت‌ها ورشکست شدند؛ و مشکلات اجتماعی مانند بیکاری و فقر را در میان مردم تشدید کرد.

بطور کلی؛ مشکل اصلی ناشی از ویروس کوید نهم از لحاظ اقتصادی؛ تسریع در روند انقراض طبقات متوسط در سطح جهانی بود؛ که باعث افزایش بیشتر قدرت اقتصادی طبقه کوچکی از میلیاردرها به ضرر یک کل توده محروم؛ بخش‌های میانی ورشکست شدند و به خط بدبختی نزدیکتر شدند؛ تا ثروت سرمایه‌داران بزرگ با روند پیشرفته ورشکستگی برخی از بزرگترین موسسات این بخش؛ مانند **دوچ بانک**؛ حتی بخشی بانکی نیز از این بحران نجات پیدا نکرد. بخش نفت با کاهش شدید تقاضای جهانی برای سوخت‌های فسیلی بدترین روزهای خود را تجربه کرده است. خود سرمایه‌مالی در آستانه سقوط است، فاقد منابع لازم برای مدیریت یک بحران جهانی بی‌سابقه. همه‌ای اینها الگوی یا وقوع قبلی چیزی مشابه برای روایت‌ها و پروژه‌های جدید است که در برابر ورشکستگی سیستم فعلی، گزینه‌های دیگری جاگزین آن شدند و در میان بسیاری از صحبت‌ها و سخنرانی‌ها؛ دوسخترانی برجسته شدند: **نخست**: سخنرانی به نفع جاگزینی سیستم جهانی فعلی با الگوی جدید؛ متمرکز برای اولویت‌بندی مسایل اصلی جهانی عمدتاً مسایل زیست‌محیطی؛ دفاع از بین‌المللی شدن بیومها (Biomes = یک نوعی جامعه اصلی ایکولوژیکی مانند جنگل بارانی، گرمسیری، چمنزارها یا صحرا..... تفصیل توسط این قلم) و صنعتی‌سازی گسترده-ثانیاً سایر موارد مدل ملی‌گرایی و حمایت‌گرایی که می‌خواهد در مراحل سرمایه‌داری به نفع احیای دوران صنعتی قهقرا کند؛ این اختلافات عمدتاً در انتخابات آمریکا مشهود و قابل ملاحظه بود. «ترامپ» به نمایندگی از یک پروژه پوپولیستی سرمایه‌داران حمایت‌گرایانه؛ و «جو بایدن» به نمایندگی از برنامه جهانیان غربی (western globalists)؛ از حرکت به سمت سرمایه‌داران سبز» دفاع میکند.

تنش و عدم اطمینان در مورد انتخابات ایالات متحده میتواند آمریکارا به یک وضعیت آشفته اجتماعی سوق دهد.

ما هنوز میتوانیم که در مورد موضوع خاص انتخابات آمریکا بسیاری از حقایق را مشاهده کنیم؛ برای اولین بار واکنش‌گن در تلاش یک سناریوی احتمالی برای یک انقلاب رنگ‌بود؛ این همان چیزی است که ما میتوانیم با اعتراضات خشونت‌آمیز و تنش‌های نژادی که در ماه‌های اخیر در سراسر کشور گسترش یافته و موجب بی‌ثباتی بسیار زیاد در دولت «ترامپ» شده‌اند فکر کنیم. یعنی یک عامل اساسی در هموار کردن مسیر پیروزی «بایدن» افت و یا تنزل محبوبیت «ترامپ» تقریباً منحصراً به دلیل بحران ترکیبی شورش‌ها و فاجعه سلامتی «همه‌گیر» بود؛ که موجب خشم شد، اما حتی با پیروزی «بایدن»؛ نتایج انتخابات همچنان در هاله‌نا مشخص باقی ماند. اگرچه که او از قبل مجوز انتقال قدرت را داده است؛ اما «ترامپ» تا هنوز «بایدن» را به رسمیت نمی‌شناسد؛ در حال حاضر شایعاتی درباره پیاده کردن یک قانون نظامی احتمالی که به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه میدهد تا یک حالت استثنای را ایجاد کند و همچنان در قدرت باقی بماند سرزبانهاست و یا که منتشر شده است. همه‌ای اینها سناریوی داخلی آمریکا را برای سال «2021» پیش از پیش دارد که مشخص میکند.

بموازات تأثیر اقتصادی و سیاسی که قبلاً ذکر شد؛ همه‌گیر «پاندیمی» به دور جدیدی در مسابقه تسلیحاتی کشورها شده است و باعث میشود صنعت دواسازی در تعادل جیو‌پولیتیکی و ویژگی اساسی پیدا کند. در دوره «همه‌گیری» قوی‌ترین ملت یا کشور ملتی است که بتواند مصونیت جمعیت یا شهروندان خود را تامین کند؛ واکسن‌ها و داروها نقشی را به عهده گرفتند که زمانی فقط برای بمب‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی اختصاص داشت. و آنهم بخاطر قدرت واقعی حاکمیت یک کشور؛ تمام قدرت‌های بزرگ جهانی سرمایه‌گذاری زیادی در تولید واکسن نمودند

ولی تا کنون هیچ واکنشی در سطح جهانی به وضعیت مطلوبی نه رسیده است؟ که نه تنها ادامه مسابقه را نشان میدهد؛ بلکه احتمالاً آینده نزدیک پلورالیسم طبی را نیز خواهیم داشت؛ واکنش‌های مختلفی در هر کشور اجرامیشود یا بکار برده میشود؛ بدون اینکه دارویی به سطح جهانی تولید و به توزیع برسد.

همچنین قابل توجه است؛ موج اخیر به اصطلاح «توافقنامه‌های صلح» بین اعراب و اسرائیلی‌ها؛ که ساختار دهه‌های منازعات قومی-مذهبی را در خاورمیانه معکوس کرده و خودکامگی‌های اسلامی و «تله‌ابیب» را به اتحاد علیه ترکیه و ایران نزدیک میکند، بطور عمده توسط فرانسه و ایالات متحده پیش‌تیبیا می‌شود.

این همه چیز نشان میدهد که اختلافات بین یک سخنرانی پوپولیستی به نفع بسته شدن مرزها و صنعتی سازی محدود و یک صحبت یا سخنرانی دیگر به نفع «جهانی سازی سبز» ادامه خواهد یافت؛ زیرا «ترامپ» در برابر پذیرش پیروزی «جو بایدن» مقاومت خواهد کرد. به احتمال زیاد «ترامپ» قانونی بودن نهادی را نخواهد شکست و در واقع اجازه انتقال قدرت را میدهد؛ اما او طرفداران اش یک کمپاین ضد دولتی قوی را برای جستجوی نتیجه مناسب برای حزب خود در سال «2024» آغاز میکنند که این خود باعث ملی‌گرایی خواهد شد؛ گفتگوی به رشد و رقابت توأم با جهان‌گرایی را ادامه میدهد از طرف دیگر «بایدن» اتحاد و اشنگتن با اروپای غربی که قبلاً توسط «ترامپ» شکسته شده بود با زیایی خواهد کرد؛ و یک سیاست مداخله‌گرانه در خاور میانه را افزایش میدهد؛ این اتفاق در میان موج توافقنامه‌های صلح بین اعراب و اسرائیلی‌ها رخ میدهد که فلسطین را منزوی میکند و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز دوکشور را کنار بگذارد. در واقع سال «2020» سال مانند سال‌های کمی در تاریخ بود؛ تغییراتی که ممکن است دهه‌ها سال به طول انجامد میباشد که طی ماه‌های رخ داده و بعید به نظر میرسد که اثرات این سال در مدت زمان کوتاه برطرف شود.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

لوکاس لیروز یکی از محققان حقوق بین‌الملل در پوهنتون فدرال ریودوژانیرو است

----- با تقدیم سلام ها « 2021-01-04 »